

# مجلس کاهش خدمت سربازی را بررسی می کند

در طول دو سال خدمت سربازی، نه تنها تخصصی به جوان ها به آموزش داده نمی شود، بلکه فارغ التحصیلان دانشگاه ها که بین پایان دوران تحصیل آنها و ورود آنها به بازار کار دو سال وقفه می افتد، بخشی از اطلاعات تئوریک خود را نیز از دست می دهند.

سربازی تحت شرایطی به فروش گذاشته شد، در واقع برخی مشمولان، با پرداخت مبلغی هستند. به عنوان مثال، استخدام آنها ممنوع است، چیزی به نام آنها قابل ثبت نیست، حق خروج از کشور را ندارند و ازدواج رسمی نیز نمی توانند بکنند.

در طول دو سال خدمت سربازی، نه تنها تخصصی به جوان ها آموزش داده نمی شود، بلکه فارغ التحصیلان دانشگاه ها که بین پایان دوران تحصیل آنها و ورود آنها به بازار کار دو سال وقفه می افتد، بخشی از اطلاعات تئوریک خود را نیز از دست می دهند. اما از سوی دیگر، خدمت سربازی، حداقل برای مدت دو سال تقاضای کار از سوی صدها هزار جوان جویای کار را در کشوری که نرخ بیکاری در آن در حدود ۱۷ درصد ذکر

می شود، به تاخیر می اندازد، که خود تسکینی هرچند موقت برای مسئولان نظام است.

در همین حال، به عقیده ناظران، در شرایط کنونی که مسئولان نظام جمهوری اسلامی سخن از تهدیدهای آمریکا می گویند و اوضاع در دو کشور همسایه ایران، یعنی افغانستان و عراق چندان عادی نیست، بعید است طرح کاهش مدت خدمت سربازی که به مفهوم کاهش تعداد نیروهای ارتش ایران است، به تصویب مجلس یا شورای نگهبان برسد.



وی گفت علت ارایه این طرح آن است که احساس می شود تعداد زیادی سرباز در کشور وجود دارد که نیازی به آنها نیست. در این طرح پیشنهاد شده است که مدت سربازی به ۱۸ ماه کاهش یابد و در مورد سربازانی که در مرزها خدمت می کنند این زمان به ۱۵ ماه کاهش یابد.

در یکی از بخش های این

تقاضای چهل تن از نمایندگان مجلس ایران برای کاهش مدت خدمت سربازی جوانان روز دوشنبه ۲۵ اوت در کمیسیون اجتماعی مجلس مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اخبار مربوط به تغییر مقررات خدمت سربازی در ایران، همواره جزو مهم ترین موضوعاتی است که توجه خانواده ها را به خود جلب می کند.

مردان جوان در ایران، پس از پایان دوران تحصیل یا رسیدن به سن ۱۸ سالگی ناگزیر هستند مدت دو سال را در یکی از

**خدمت سربازی، حداقل برای مدت دو سال تقاضای کار از سوی صدها هزار جوان جویای کار را در کشوری که نرخ بیکاری در آن در حدود ۱۷ درصد ذکر می شود، به تاخیر می اندازد، که خود تسکینی هر چند موقت برای مسئولان نظام است.**

طرح نیز پیشنهاد شده است تمامی کسانی که سن آنان بالاتر از ۳۰ سال است و تاکنون به خدمت نرفته اند، از خدمت سربازی معاف شوند. سخت گیری در مورد خدمت سربازی در ایران، پس از پایان جنگ هشت ساله بین ایران و عراق در سال ۱۳۷۷ رفته رفته رو به کاهش گذاشت و در برخی مواقع، خدمت

نیروهای نظامی یا انتظامی به عنوان سرباز و وظیفه خدمت کنند. قهرمان بهرامی، یکی از نمایندگان مجلس در مورد این طرح به خبرنگاران گفته است: این طرح در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و با حضور نمایندگان وزارت دفاع مورد بحث بررسی قرار خواهد گرفت و در مورد آن تصمیم گیری خواهد شد.

پول قادر بودند خدمت دو ساله را بخرند و کارت معافیت دریافت کنند.

فروش سربازی از مدتی قبل و بدون ذکر دلایل کافی، متوقف شد و اکنون تمامی جوانانی که مدارس و دانشگاه ها خارج می شوند، ناگزیر هستند پیش از ورود به زندگی اجتماعی، دو سال را در سربازخانه ها یا دفاتر نیروی انتظامی طی کنند. جوانانی که از رفتن به خدمت سربازی خودداری کنند و غایب محسوب شوند، ضمن اینکه خاطی به حساب می آیند، از بسیاری حقوق اجتماعی نیز محروم



**علی تهرانی**

مشاور آگاه در امور وام و مستغلات

## آیا هنوز اجاره نشین هستید؟

آیا میدانید با مبلغ پرداختی ماهانه خود میتوانید صاحب خانه شوید  
ما با وام ۱۰۰٪ شما را صاحب خانه می کنیم

# وام

- ۱- اگر کردیت شما بد است ما میتوانیم به شما کمک کنیم
- ۲- اگر منزلی دارید و میخواهید کردیت لاین داشته باشید هر زمان که احتیاج به پول داشتید این پول برای شما موجود می باشد از وام های کردیت لاین ما استفاده کنید
- ۳- اگر درآمد کافی نشان نمی دهید و احتیاج به وام دارید نگران نباشید
- ۴- از بهره های پائین امروز استفاده کنید و خاطر خود را برای فردا آسوده سازید

فاصله شما با ما فقط یک تلفن است تا ما شما را با کمترین درد سر صاحب خانه کنیم، از پیدا کردن خانه تا کامل شدن وام شما

Office : (818) 702-0223 Cell phone : (818) 335-338-5 Pager : (818) 385-6853

اگر در خارج از آمریکا زندگی می کنید و می خواهید در آمریکا ملکی خریداری کنید با پرداخت ۲۵ درصد پیش پرداخت میتوانید ملک را خریداری نمایید



یک دختر شهرستانی که به دلیل شکنجه های ناپدری اش به تهران فرار کرده بود توسط ماموران بسیج شرق تهران دستگیر شد .

به گزارش خبرنگاران ، این دختر ۱۹ ساله

دیگر حرف های مردم که دائم پشت سر مادرم بدگویی می کردند باعث شد تا او به پیشنهاد دایی بزرگم با یک مرد کشاورز که او نیز زنش را به دلیل ابتلا به بیماری سل از دست داده بود ازدواج کند.

مریم در حالی که اشک می ریخت گفت : هرچه بزرگتر می شدم ناپدری ام مرا بیشتر اذیت و آزار می داد و این موضوع تا حدی پیش رفت که از چند سال قبل او دیگر به دستورهای نابجا و زورگویی هایش قانع نبود و هر وقت عصبانی می شد بی هیچ دلیلی مرا به باد کتک می گرفت و تارمق داشت مرا با چوب یا طناب می زد و بدنم را سیاه می کرد . هر وقت به مدرسه می رفتم سر و صورتم خونی بود و از شدت کتک هایی که روز قبل خورده بودم نمی توانستم روی نیمکت مدرسه درست بنشینم و از شدت درد درسهایم را خوب متوجه نمی شدم .

دوستان مدرسه ام نیز بخاطر این که حاضر نمی شدم در مورد زخم های بدنم به آنها

## دختر جوانی بخاطر شکنجه های ناپدری از خانه گریخت ناپدری ام به من نظر سوء داشت



که مریم نام دارد پس از گذشت ۱۲ سال زندگی با ناپدری اش هنگامی که از شکنجه های وی به ستوه آمده بود با طرح نقشه فرار برای نجات جانش به تهران گریخت اما ۴۸ ساعت بعد از فرار هنگامی که بی هدف و سرگردان در خیابان های اطراف محله نظام آباد در حال پرسه زدن بود توسط ماموران بسیج مرکز اجرایی امر به معروف و نهی از منکر شرق تهران دستگیر شد .

### دستگیری مریم

مدتی قبل ماموران بسیج مرکز اجرایی امر به معروف و نهی از منکر شرق تهران که در حال گشتزنی در محدوده خیابان های اطراف محله نظام آباد بودند با مشکوک شدن به یک دختر جوان که بی هدف در حال پرسه زدن در کوچه و خیابان بود وی را برای دقایقی به طور مخفی زیر نظر گرفتند .

در این هنگام ماموران که بخاطر سرگردانی و تغییر مسیرهای دائم این دختر دریافته بودند وی هیچ مقصد مشخصی ندارد و با پرسه زدن در خیابان هادر حال وقت تلف کردن است او را دستگیر کردند و به ستاد اجرایی انتقال دادند . مریم پس از دستگیری تحت بازجویی ماموران قرار گرفت و در حالی که ادعا می کرد ۴۸ ساعت قبل از منزلش در یکی از روستاهای اطراف شهر همدان به تهران فرار کرده است ، گفت : حدود ۱۲ سال قبل وقتی پدرم بخاطر یک بیماری بی علاج جان خود را از دست داد ، مادرم برای تهیه مخارج زندگی فرزندان و بزرگ کردن من و ۲ برادر دیگرم هیچ راهی جز ازدواج نداشت و از یک طرف فشارهای ناشی از مرگ پدرم و از طرفی

اوایل زندگی مان خیلی خوب بود و ناپدری ام هر روز برایمان شکلات و بستنی می خرید . او مرد خیلی مهربانی بود و با کارهایی که برای ما و مادرم انجام می داد تا حد خیلی زیاد باعث شده بود که محبت ما نسبت به او جلب شود اما به تدریج هرچه از این وصلت می گذشت ناپدری ام محبتش نسبت به ما کم رنگ تر می شد و با کم رنگ شدن محبت بین ما کدورت جای آن را می گرفت .

مریم اضافه کرد : روزها گذشت و من و ۲ برادر کوچکترم که روزی تنها کودکان خانه بودیم حالا در یک جمع ۶ نفری زندگی می کردیم و به دلیل این که بزرگترین بچه خانه بودم همیشه کارهای سخت به عهده من بود اما کارهای سخت نبود که ما را نسبت به زندگی در خانه ناپدری ام ناامید کرده بود بلکه زورگویی های مکرر او باعث فرار من از خانه شد .

بودند نیز مثل من و مادرم مورد آزار و اذیت های وحشیانه قرار می گرفتند و هر ۴ نفرمان پس از شکنجه شدن در زیرزمین خانه تا صبح زندانی می شدیم و از غذا خوردن محروم بودیم . مریم اضافه کرد : در این میان تنها ۲ خواهر و برادر ناتنی ام بودند که از آزار و اذیت های ناپدری ام در امان بودند . دیگر از این وضع خسته شده بودم و چند باری تصمیم گرفتم خودکشی کنم اما تنها عاملی که باعث می شد نقشه ام را عملی نکنم علاقه به مادر و برادرهایم بود چون نمی خواستم آنها را ناراحت کنم .

مریم در ادامه در مورد ماجرای فرار از خانه ناپدری اش گفت : وقتی می دیدم که ۲ برادر کوچکترم به همراه مادر پیرم بخاطر من مورد شکنجه های وحشیانه ناپدری ام قرار می گیرند و از طرفی هم نمی توانستم به نظر سوء این مرد بی تفاوت باشم تصمیم گرفتم به هر قیمتی که شده از خانه فرار کنم . برای همین به بهانه های مختلف از دوستان ، آشنایان ، دخترهای همسایه و مادرم پول قرض می کردم تا در مسافرت به مشکلات مالی برخورد نکنم . با تامین هزینه سفرم و پس انداز پول مورد نیاز بامداد یکی از روزهای گرم تابستان در حالی که همه اعضای خانواده روی پشت بام خواب بودند و سایلم را که از روز قبل جمع کرده بودم برداشتم و فرار کردم و بلافاصله به ترمینال رفتم و با تهیه بلیت با اتوبوس راهی تهران شدم .

وقتی به تهران رسیدم در حالی که بخاطر آشنا نبودن با محیط در کوچه های شهر سرگردان شده بودم هر ساعت به تعدادی جوان برخورد می کردم که قصد داشتند مرا به نحوی مورد آزار و اذیت قرار دهند اما هر بار شانس می آوردم و مزاحمان مرا فراموش می کردند . به ناچار شب اول تا صبح بیدار ماندم و در خیابانها راه رفتم تا از شر جوانان مزاحم در امان باشم اما با طلوع آفتاب در حالی که شب قبل را تا صبح در خیابان ها پرسه زده بودم در یکی از پارک های شرق تهران به خواب رفتم .

شب بعد نیز به همین منوال گذشت و تا صبح بیدار بودم که حدود ساعت ۳ بعدازظهر توسط ماموران دستگیر شدم . پس از اظهارات این دختر جوان ماموران پرونده وی را به شعبه مجتمع قضایی ارشاد ارجاع دادند و قاضی دادگاه پس از مطالعه پرونده دستور داد تا مریم به طور موقت به مرکز مداخله بحران های اجتماعی جنوب تهران سپرده شود . همچنین با دستور قاضی دادگاه در حالی که پزشکی قانونی شرایط روحی نامناسب و آثار شکنجه روی بدن مریم را تأیید کرده بود برای رسیدگی به اتهامات ناپدری پرونده ای تشکیل و به دادگاه عمومی شهرستان همدان ارسال شد تا در آینده ای نزدیک با احضار ناپدری مریم به دادگاه وی در مورد شکنجه دخترش و آزار و اذیت او توضیح دهد .